

مراحل تطوّر معیار «مطابقت قرائت با رسم مصحف» در پذیرش قرائات

عبدالهادی فقهی زاده*

حمیدرضا مستفید**، مجتبی محمدی انویق***

چکیده

مطابقت قرائت با رسم مصحف، یکی از مهم‌ترین معیارها در پذیرش قرائات است. این معیار که بعد از توحید مصاحف از سوی عثمان، با هدف خارج ساختن قرائات برخی از صحابه رواج پیدا کرد، در دوره‌های بعد تحولات گوناگونی پشت سر گذاشت. منظور از مطابقت قرائت با رسم مصحف در مراحل نخست، سازگاری آن با کلیات متن مکتوب قرآن بود؛ اما در مراحل متأخر، تطابق قرائت با رسم مصحف با جزئیات بیشتری مورد بررسی قرار گرفت. همچنین، در خلال این دوره‌ها، برخی از قاریان به متن مکتوب رسمی قرآن اهمیت کمتری می‌دادند که با برخی از آنان از جمله ابن‌سینوذ برخورد‌های قاطعی صورت گرفت. به طور کلی، معیار مطابقت با رسم مصحف، پنج مرحله مهم تاریخی را سپری کرد. این مراحل به ترتیب عبارتند از: ۱- آغاز توجه به متن مکتوب قرآن به مثابه یک معیار؛ ۲- گسترش گفتمان رسم مصحف؛ ۳- احتجاج گسترده دانشمندان به رسم مصحف در پذیرش قرائات؛ ۴- قطعیت یافتن معیار مطابقت با رسم مصحف؛ ۵- بازنگری نهایی در معیار مطابقت با رسم مصحف. پژوهش حاضر با رویکردی تاریخی - تحلیلی، به بررسی مراحل پنج‌گانه مزبور پرداخته و سعی کرده است در پرتو آن، جایگاه معیار مطابقت با رسم مصحف را در تاریخ قرائات تبیین کند.

کلیدواژه‌ها: رسم مصحف، رسم الخط قرآن، معیارهای پذیرش قرائات، مصحف عثمانی، قرائات مشهور، قرائات شاذ.

* استاد گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)، faghizad@ut.ac.ir

** استادیار علوم قرآن و حدیث، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال، hr.mostafid@yahoo.com

*** دانشجوی دکتری رشته علوم قرآن و حدیث، دانشگاه تهران، mojtaba.mohammadia@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۷/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۰/۱۰

۱. مقدمه

پس از رحلت پیامبر اکرم (ص)، به تدریج در نحوه قرائت قرآن اختلاف شد؛ چنان‌که در کنار صحت نقل، به وجود معیارهای دیگر برای تشخیص قرائت صحیح احساس نیاز گردید. بر این اساس، معیارهایی جدید برای پذیرش قرائت مطرح شد که یکی از مهم‌ترین آن‌ها، مطابقت با رسم مصحف بود؛ به این معنا که قرائت کلمات قرآن باید با رسم مصاحف عثمانی مطابقت داشته باشد.

معیار مطابقت با رسم مصحف که بعد از توحید مصاحف به تدریج جایگاه خود را در قرائت قرآن پیدا کرد، مانند هر پدیده تاریخی دیگری، تحولات گوناگونی پشت سر گذاشت و مراحل متعددی سپری کرد. این معیار، توجه دانشمندان علم قرائت را در اعصار مختلف به خود جلب کرد؛ چنان‌که آنان با رویکردهای مختلف، به بررسی مباحث رسم مصحف پرداختند و کتاب‌های فراوانی در این باره تألیف کردند. قاریان برجسته قرآن در شهرهای مختلف، این معیار را مدّ نظر داشتند و در پذیرش یا ردّ قرائت از آن یاری می‌جستند.

پژوهش حاضر در صدد است مراحل تطوّر معیار مطابقت با رسم مصحف را در دوره‌های مختلف، به صورت مرحله‌بندی شده و با ارائه نمونه‌های گوناگون بررسی کند. در این راستا، پاسخ به پرسش‌های زیر حائز اهمیت است:

- ۱- توجه به معیار مطابقت قرائت با رسم مصحف در تاریخ قرائت، از چه زمانی و بنا به چه عللی آغاز شد؟
- ۲- معیار مطابقت قرائت با رسم مصحف در دوره‌های مختلف تاریخی چه مفهومی داشته است؟
- ۳- کوشش‌های انجام شده در حوزه رسم مصحف در دوره‌های گوناگون تاریخی چه بوده است؟
- ۴- پرداختن به رسم المصحف به مثابه یک علم مستقل از چه زمانی و بنا به چه دلایلی آغاز شد؟ رابطه قرائت و رسم مصحف، قبل و بعد از این دوره به چه شکل بوده است؟

۲. مفهوم‌شناسی رسم مصحف

کلمه «رسم» در اصل، به معنای اثر و نشانه است که در معنای نگارش نیز کاربرد یافته است (نک: جوهری، ۱۴۳۰ق: ج ۴، ص ۱۱۵۷؛ ابن فارس، ۱۴۰۴ق: ج ۲، ص ۳۹۳). واژه «مصحف» (با فتحه، ضمه و کسره میم) نیز در لغت، مجموعه‌ای از صحیفه‌های مکتوب میان دو جلد است (ازهری، ۱۴۲۱ق: ج ۴، ص ۱۴۹؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ج ۹، ص ۱۸۶) که در نزد مسلمانان، اصطلاحاً به معنای قرآن مکتوب بین الدفتین به کار رفته است (نک: سیوطی، ۱۴۲۱ق: ج ۱، ص ۱۹۰). بر این اساس، اصطلاح «رسم المصحف» در علوم قرآن، به معنای شیوه نگارش کلمات قرآن رواج پیدا کرده است (نک: ضیاع، ۱۴۲۰ق: ص ۲۰؛ الحمد، ۱۴۳۳ق: ص ۲۶). سابقه استعمال و رواج واژه «رسم» در این معنا، به قرن پنجم هجری بازمی‌گردد. پیش از آن، برای این منظور از واژه‌های دیگری همچون «کتاب»، «هجاء» و «خط» استفاده می‌شد (الحمد، ۱۴۲۵ق: ص ۱۵۵)؛ چنان‌که کاربرد این واژه در معنای نگارش را می‌توان در سراسر کتاب المقنع ابو عمرو دانی (د. ۴۴۴ق) مشاهده کرد. در این پژوهش نیز برای نشان دادن این معنا در ارتباط با تمامی برهه‌های زمانی، از واژه رسم - که امروزه متداول است - استفاده شده است.

منظور از کلمه «مصحف» در اصطلاح مزبور، به گفته دانشمندان علم قرائت، مجموعه مصاحفی است که خلیفه سوم پس از نگارش و نسخه‌برداری، به شهرهای اسلامی ارسال کرد. بنابراین، مطابقت با رسم مصحف در علم قرائت، به معنای لزوم انطباق قرائت با یکی از مصاحف عثمانی است (نک: ابن جزری، بی‌تا: صص ۹-۱۱؛ فضلی، ۱۴۳۰ق: ص ۱۲۶)؛ در عین آنکه دسترسی به چگونگی رسم کلمات در مصاحف عثمانی، اغلب به واسطه نسخه‌های استنساخ شده از مصاحف اصلی انجام می‌گرفت (نک: مارغنی، ۱۴۳۷ق: ص ۶۱). این نکته را می‌توان از کاربرد کلمه «مصاحف» به صورت جمع در عباراتی مانند «مصاحف أهل المدینة»، «مصاحف أهل الکوفه»، «مصاحف الکوفیین» (نک: سجستانی، ۱۴۲۳ق: ص ۱۳۹؛ دانی، ۱۴۲۸ق: ج ۳، ص ۱۳۶۸ و ۱۳۹۵؛ ابوداود، ۱۴۲۱ق: ج ۱، ص ۳۱۰) و نمونه‌های دیگر در منابع متقدم حوزه رسم مصحف استنباط کرد. برخی از گزارش‌ها حاکی از آن است که مصاحف نوشته‌شده از سوی عثمان، بعضاً در اختیار قاریان متقدم از جمله قاریان هفت‌گانه قرار گرفته است. برای نمونه، از حمزه نقل شده است که مصحف ارسالی خلیفه به کوفه را در منزل مردی از قبیله مُراد دیده و نسخه‌ای از روی آن برای خود نوشته است (سجستانی، ۱۴۲۳ق: ص ۴۳).

۳. شکل‌گیری رسم‌الخط قرآن

شکل‌گیری پایه‌های نخستین رسم‌الخط قرآن را می‌توان از ابتدای نزول وحی تا زمان توحید مصاحف از سوی عثمان در سال بیست و پنجم هجری (نک: ابن حجر عسقلانی، ۱۳۷۹ق: ج ۹، ص ۱۷) دانست. در این دوره، هرچند رسم‌الخط قرآن به عنوان یک معیار برای پذیرش قرائات مورد توجه قرار نگرفت، مصاحف و دست‌نوشته‌هایی تنظیم شد که می‌توان آن‌ها را به مثابه گام‌های نخستین در شکل‌گیری رسم‌الخط قرآن تلقی کرد (نک: رامیار، ۱۳۶۹ش: ص ۲۹۰).

پیامبر اکرم (ص) پس از دریافت وحی، بلافاصله آن را برای صحابه قرائت می‌کرد و آنان نیز متناسب با استعداد و توان خود، قرآن را حفظ می‌کردند. در این میان، برخی از صحابه، توانایی و سواد کتابت داشتند و بنا به دستور پیامبر (ص)، به ثبت و نگارش آیات قرآن می‌پرداختند (نک: زرکشی، ۱۴۱۰ق: ج ۱، صص ۳۳۴-۳۳۵). از جمله مهم‌ترین کاتبان قرآن در میان صحابه می‌توان به شخصیت‌هایی چون علی بن ابی‌طالب (ع)، عبدالله بن مسعود، ابی‌بن‌کعب و زید بن ثابت اشاره کرد (نک: زنجانی، ۱۴۰۴ق: صص ۴۸-۵۴). از سوی دیگر، پیامبر اکرم (ص) مسلمانان را به قرائت قرآن از روی مصحف تشویق می‌کرد (نک: طبرانی، بی‌تا: ج ۱، ص ۲۲۱؛ سیوطی، ۱۴۰۱ق: ج ۲، ص ۲۵۴). این توصیه با هدف افزایش دقت قاری در هنگام قرائت قرآن و تأکید بر عدم اتکاء محض به حافظه انجام می‌گرفت. در آن زمان، نوشتارهای قرآنی متعددی در اختیار مسلمانان بود که در قرائت قرآن از آن‌ها بهره می‌بردند. از جمله این نوشتارها می‌توان به صحیفه‌ای اشاره کرد که در ماجرای اسلام آوردن عمر بن خطاب، در خانه‌ی خواهر او بوده است (نک: ابن‌هشام، بی‌تا: ج ۱، صص ۲۲۹-۲۳۱؛ قرطبی، ۱۴۲۳ق: ج ۱۱، صص ۱۶۳-۱۶۴). کتابت قرآن در عصر حیات پیامبر اکرم (ص) در قالب دست‌نوشته‌ها و مصاحف قرآنی، نخستین کوشش‌های انجام شده در حوزه کتابت قرآن است.

پس از رحلت پیامبر اکرم (ص) نیز برخی از صحابه، به کار تدوین مصاحف مشغول شدند. از جمله بارزترین نمونه‌های مصاحف در آن دوره می‌توان به مصحف امام علی (ع) اشاره کرد (نک: سلیم بن قیس، ۱۴۲۲ق: ص ۱۴۶؛ ابن‌شهر آشوب، ۱۳۷۶ق: ج ۱، صص ۳۱۹-۳۲۰) که از سوی حاکمیت آن زمان مورد پذیرش واقع نشد و از این رو، در اختیار عموم قرار نگرفت (نک: عاملی، ۱۴۱۰ق: صص ۱۵۱-۱۶۲). علاوه بر آن، گزارش‌های تاریخی حاکی از آن است که ابوبکر در دوران خلافت خود، به جمع و تدوین

مراحل تطوّر معیار «مطابقت قرائت با رسم مصحف» در پذیرش ... ۲۷

قرآن همت گماشته است (نک: ابن حنبل، بی تا: ج ۱، ص ۱۳؛ بخاری، ۱۴۰۱ق: ج ۵، ص ۲۱۰). در این باره به نظر می‌رسد که جمع ابوبکر، تهیه مصحف شخصی برای خلیفه بوده است؛ زیرا در آن زمان، در اختیار داشتن مصحف برای صحابه فضیلت بزرگی به شمار می‌آمد. ابوبکر نیز در جایگاه خلیفه مسلمانان، مایل به از دست دادن این امتیاز نبود و از این رو، دستور داد نسخه‌ای از قرآن برای او تهیه شود (نک: رامیار، ۱۳۶۹ش: صص ۳۲۹-۳۳۲). به طور کلی، در آن زمان تهیه مصحف شخصی امری رایج بوده است؛ چنان‌که نویسندگانی حضور داشتند که به سفارش افراد، قرآن می‌نوشتند. برای نمونه، نقل است که مردی نصرانی از اهل حیره به ازای دریافت شصت درهم، مصحفی برای عبدالرحمن بن عوف نوشت (سجستانی، ۱۴۲۳ق: ص ۱۴۸). همچنین در روایات آمده است که نافع بن ظریب، مصحفی برای عمر تدوین کرده است (نک: ابن عبدالبر، ۱۴۱۲ق: ج ۱، ص ۴۶۹؛ ابن اثیر، بی تا: ج ۴، ص ۵۲۷).

به هر حال، مصحفی که در این برهه تاریخی نوشته شد، مبنای تدوین مصحف عثمانی قرار گرفت (نک: نجارزادگان، ۱۳۷۹ش: ص ۲۵) که آن نیز به نوبه خود اساس رسم الخط قرآن را شکل داد.

۴. مراحل تطوّر معیار مطابقت با رسم مصحف

معیار مطابقت با رسم مصحف از زمان پیدایش تاکنون، پنج مرحله مهم را سپری کرده است که به ترتیب عبارتند از:

- ۱- آغاز توجه به متن مکتوب قرآن به مثابه یک معیار
- ۲- گسترش گفتمان رسم مصحف
- ۳- احتجاج گسترده قاریان و دانشمندان به رسم مصحف در پذیرش قرائت
- ۴- قطعیت یافتن معیار مطابقت با رسم مصحف
- ۵- بازنگری نهایی در معیار مطابقت با رسم مصحف

۵. مرحله آغاز توجه به متن مکتوب قرآن به مثابه یک معیار

پس از توحید مصحف، در کنار نقل شفاهی قرآن، به متن مکتوب آن نیز به مثابه یک معیار برای پذیرش قرائت توجه شد. در عصر خلافت عثمان، قلمرو اسلامی توسعه یافته بود و

افراد از شهرهای گوناگون و با نژادهای مختلف به اسلام گرویده بودند. این امر باعث شده بود که مسلمانان در قرائت قرآن اختلاف کنند. دامنه اختلافات به حدی بود که گروه‌های مسلمانان درباره شیوه قرائت قرآن به مشاجره و نزاع می‌پرداختند و بعضاً یکدیگر را تکفیر می‌کردند (زرقانی، ۱۹۴۸م: ج ۱، صص ۲۴۸-۲۴۹). گفته شده است که حذیفه بن یمان پس از بازگشت از جنگ آذربایجان، نزد عثمان رفت و از اختلافات شدید مسلمانان در قرائت قرآن خبر داد. این کار باعث ایجاد نگرانی در خلیفه از شدت یافتن اختلافات شد تا آنکه تصمیم به یکسان‌سازی مصاحف گرفت (نک: بخاری، ۱۴۰۱ق: ج ۶، ص ۵۸۱). خلیفه برای این کار، تیمی به ریاست زید بن ثابت تشکیل داد و با ساز و کاری که در روایات آمده، به تدوین قرآن پرداخت. در عین حال، چنان‌که گفتیم قرآن در حیات پیامبر اکرم (ص) جمع شده بود و مصاحفی نیز در اختیار مسلمانان قرار داشت؛ اما بنا به مشهور، کار عثمان در این تدوین، دست کم به زعم دستگاه خلافت و تیم اجرایی، پایان دادن به اختلافات موجود در قرائت قرآن بود.

عثمان برای این کار، چهار تا هفت نسخه (بر حسب اختلاف اقوال)^۱ تدوین کرد و به شهرهای اسلامی فرستاد. این اتفاق که به احتمال زیاد در سال بیست و پنجم هجری رخ داد (نک: ابن حجر عسقلانی، ۱۳۷۹ق: ج ۹، ص ۱۷)، نقطه عطفی در توجه به مسأله رسم الخط قرآن به صورت ویژه در تاریخ قرائت است؛ زیرا پیش از آن، نه مصحفی خاص معیار سنجش قرائت قرآن قرار گرفته بود و نه اساساً درباره اختلاف رسم کلمات قرآن بحثی درافتاده بود. مصاحف عثمانی، نخستین متون مکتوب قرآن بودند که در جامعه اسلامی به صورت رسمی، معیاری برای پذیرش قرائت قرار گرفتند. توحید مصاحف در واقع، با هدف توجه به رسم مصاحف عثمانی به منظور خارج کردن قرائت سایر صحابه انجام گرفت. در این میان، برخی این معیار را پذیرفتند و برخی دیگر از جمله ابن مسعود توجه زیادی به آن نکردند (نک: سجستانی، ۱۴۲۳ق: صص ۱۶۶-۱۸۶).

مصاحف نوشته‌شده از سوی عثمان، کاستی‌هایی داشت که خود باعث ایجاد اختلاف می‌شد. برخی از این کاستی‌ها ناظر به خط مصاحف و برخی دیگر، ناظر به نویسندگان بود. خط ناقص و ابتدایی قرآن در آن زمان، تحمل قرائت مختلف از برخی کلمات را داشت. برای نمونه، نبودِ نقطِ الاعراب (حرکت‌گذاری) در خط مصاحف، این امکان را فراهم می‌کرد که کلمه «یکذبون» در آیه ۱۰ سوره بقره به دو شکل «یکذبون» و «یکذبون» قرائت شود (درباره قرائت این کلمه نک: ابن جزری، بی‌تا: ج ۲، ص ۲۰۷-۲۰۸).

مراحل تطوّر معیار «مطابقت قرائت با رسم مصحف» در پذیرش ... ۲۹

همچنین، فقدان نقط الاعجام (نقطه گذاری حروف) باعث می‌شد که برای نمونه، کلمه «فتبینوا» (حجرات، ۶) به صورت «فتبتوا» نیز خوانده شود (درباره قرائت این کلمه نک: ابن جزری، بی تا: ج ۲، ص ۲۵۱). علاوه بر این، نبود قانون کلی و نظام‌مند برای نشان دادن حروف کشیده به ویژه فتحه کشیده یا الف و همچنین نبود علامتی برای همزه (برای اطلاعات تفصیلی نک: الحمد، ۱۴۲۵ق: صص ۶۷-۷۴؛ مستفید، ۱۳۸۱ش: صص ۴۶-۴۹)، زمینه روی آوردن مسلمانان به قرائت مختلف را فراهم می‌کرد. شباهت برخی از حروف در خط کوفی نیز می‌توانست از عوامل بروز اختلاف قرائت در قرون نخست باشد. برای نمونه، شباهت حروف «ضاد» و «طاء» در این خط (نک: سخاوی، ۱۴۲۷ق: ص ۲۴۵؛ صفاقسی، ۱۴۲۵ق: ص ۶۱۹) باعث شده است که کلمه «بضنین» در آیه ۲۴ سوره تکویر، به شکل «بظنین» نیز قرائت شود (درباره قرائت این کلمه نک: دانی، ۱۴۱۶ق: ص ۱۳۹؛ ابن جزری، بی تا: ج ۲، صص ۳۹۸-۳۹۹).

به هر حال، اصالت شفاهی قرآن (See: Neuwirth, 2007: pp97-111; Graham and Kermani, 2007: p115) و ذوق سلیم و حافظه قوی عرب باعث می‌شد که آنان در قرائت قرآن از اشتباه مصون بمانند (رامیار، ۱۳۶۹ش: ص ۵۲۷)؛ اما با گسترش اسلام و افزایش شمار مسلمانان غیرعرب، زبان عربی دچار فساد شد و لغزش و اشتباه در قرائت قرآن پدید آمد (رامیار، ۱۳۶۹ش: صص ۵۲۷-۵۲۹؛ ذوقی، ۱۳۹۶ش: ص ۳۴)؛ تا اینکه کار نقط مصاحف به وسیله ابوالاسود دؤلی و دیگران آغاز شد و رفته‌رفته خط عربی قرآن به نضج و پختگی لازم رسید (دانی، ۱۴۰۷ق: ص ۲-۹).

درباره کاستی‌های ناظر به نویسندگان نیز، گزارش‌های تاریخی حاکی از آن است که پس از نسخه‌برداری مصاحف، آن‌ها را به عثمان عرضه کردند و او متوجه برخی اشکالات نگارشی شد و گفت: «اگر املاءکننده از هذیل و نویسنده از ثقیف بود، این اشتباهات رخ نمی‌داد» (ابوعبید، ۱۴۱۱ق: ص ۲۸۷؛ سجستانی، ۱۴۲۳ق). بنا به گفته عثمان، در کتابت قرآن «لحن» صورت گرفته بود که عرب می‌توانست با زبان خود، آن را اصلاح کند (دانی، ۱۴۰۳ق: ص ۱۲۱؛ سیوطی، ۱۴۲۱ق: ج ۱، ص ۵۵۰). واکنش عثمان نشان می‌دهد که نویسندگان مصاحف در حین انجام کار اشتباهاتی مرتکب شده بودند. از جمله اینکه نسخه‌های ارسال شده به شهرها، در رسم برخی از کلمات با یکدیگر اختلافاتی داشتند که باعث بروز چندگانگی در قرائت می‌شد. برای نمونه، در میان قاریان سبعة، ابن عامر، واژه «شركاؤهم» (انعام، ۱۳۷) را به جرّ «شركاء» قرائت کرده که اعتراض عالمانی چون زمخشری

را برانگیخته است (نک: زمخشری، ۱۴۰۷ق: ج ۲، ص ۷۰). روشن است که ابن عامر در این قرائت، از مصحف شام پیروی کرده است که در آن، همزه این کلمه به صورت یاء (شکائهم) نوشته شده بود؛ چنان که ابن خالویه گفته است: «علت قرائت ابن عامر، تنها این است که او در مصاحف شام، این کلمه را با «یاء» دیده و از خط آن پیروی کرده است» (ابن خالویه، ۱۴۰۱ق: ص ۱۵۱). زمخشری نیز در این باره گفته است: «قرائت آیه به این شکل از سوی ابن عامر به خاطر این است که او در برخی از مصاحف، شکائهم را با «یاء» دیده و از آن پیروی کرده است» (زمخشری، ۱۴۰۷ق: ج ۲، ص ۷۰). افزون بر این، نحوه فاصله گذاری میان حروف می توانست از عوامل ایجاد اختلاف در قرائت باشد. گفته شده است که یحیی بن یعمر، آیه ﴿وَاللَّيْلِ إِذَا دُبِّرَ﴾ (مدثر، ۳۳) را به صورت «واللیل اذا دبر» قرائت می کرد (ابن جزری، ۱۴۲۹ق: ج ۲، ص ۳۷۵). ملاحظه می شود که عبارت «اذ ادبر» با جابه جا شدن یک فاصله، تبدیل به «اذا دبر» می شود که هر دو این عبارات در زمره قرائات قرآن قرار گرفته است (نک: قاضی، ۱۴۲۸ق: ص ۶۲۳).

۶. مرحله گسترش گفتمان رسم مصحف

پس از توحید مصاحف و ارسال نسخه های قرآن به شهرها، مسلمانان ملزم به رعایت معیار مطابقت با رسم مصحف شدند. در این مرحله که تا پایان قرن دوم ادامه داشت، مباحث رسم مصحف به تدریج جایگاه خود را در گستره علم قرائات پیدا کرد و برای تشخیص قرائات صحیح در اختیار این علم قرار گرفت؛ به گونه ای که گفتمان علمی در این زمینه گسترش یافت و دانشمندان به انجام تحقیقات وسیع در این حوزه پرداختند (الحمد، ۱۴۲۵ق: ص ۱۳۶). در این دوره برای نمونه می توان از قاریان هفت گانه نام برد. علاوه بر روایات فراوانی که از این قاریان درباره رسم کلمات قرآن بیان شده است، بسیاری از آنان در این حوزه صاحب تألیف بوده اند. نمونه هایی از کوشش های آنان در این باره عبارتند از:

- عبدالله بن عامر (د. ۱۱۸ق)، قاری شام، از نخستین کسانی است که در حوزه رسم مصحف دست به تألیف زده است (نک: فضلی، ۱۴۳۰ق: ص ۱۲۷؛ الحمد، ۱۴۲۵ق: ص ۱۳۸). ابن ندیم در فهرست خود، دو کتاب با عناوین «اختلاف مصاحف الشام والحجاز والعراق» و «مقطوع القرآن وموصله» به او نسبت داده است (نک: ابن ندیم، بی تا: ص ۳۹). علاوه بر این، دانی در کتاب المقنع، روایتی را از وی درباره رسم برخی از کلمات قرآن در مصاحف شام نقل کرده است (نک: دانی، ۱۴۰۳ق: صص ۸۸ و ۱۱۰).

مراحل تطوّر معیار «مطابقت قرائت با رسم مصحف» در پذیرش ... ۳۱

- ابو عمرو بن علاء (د. ۱۵۴ق)، قاری بصره، کتابی موسوم به «مرسوم المصحف» درباره شیوه نگارش کلمات قرآن داشته است (نک: بروکلان، بی تا: ج ۲، ص ۱۳۰).

- حمزه بن حبيب (د. ۱۵۶ق)، قاری کوفه بعد از عاصم، کتابی با عنوان «مقطوع القرآن وموصله» در موضوع رسم داشت (ابن ندیم، بی تا: ص ۳۹؛ آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۳ق: ج ۲۲، ص ۱۱۸). او نخستین کسی است که در موضوع مقطوع و موصول قرآن کتاب نوشته است (امین، بی تا: ج ۵، ص ۳۲۷؛ صدر، ۱۳۳۱ق: ص ۳۳). دانی در المقنع، روایاتی را درباره شیوه نگارش کلمات از وی نقل کرده است (نک: دانی، ۱۴۰۳ق: صص ۷۵، ۷۴، ۷۵، ۷۶، ۷۸، ۸۷) که به احتمال زیاد، عمده آنها از همین کتاب «مقطوع القرآن وموصله» اخذ شده است؛ زیرا اکثر این روایات، ذیل باب «ذکر ما رسم فی المصاحف من الحروف المقطوعة علی الأصل والموصولة علی اللفظ» قرار گرفته است.

- نافع بن عبدالرحمن (د. ۱۶۹ق)، قاری مدینه، از پیشگامان مباحث رسم مصحف در مدینه بود. لبیب، یکی از شارحان العقیله، درباره نافع می گوید: «فلم تؤخذ حقیقة الرسم الا عن نافع» (لبیب، ۱۴۳۲ق: ص ۲۱۹). علاوه بر این، دانی در المقنع، روایات فراوانی از او نقل کرده است (نک: دانی، ۱۴۰۳ق: صص ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۴۸، ۴۹، ۵۰، ۵۱).

- علی بن حمزه کسایی (د. ۱۸۹ق)، از قاریان کوفه، کتابهای «اختلاف مصاحف أهل المدينة وأهل الكوفة وأهل البصرة» (نک: ابن ندیم، بی تا: ص ۳۹)، «الهجاء» (نک: همو، ص ۷۲؛ یاقوت حموی، ۱۴۱۱ق: ج ۱۳، ص ۲۰۳) و «مقطوع القرآن وموصله» (نک: قفطی، ۱۴۲۴ق: ج ۲، ص ۲۷۱) را در موضوع رسم داشته است.

شایان ذکر است که در این مرحله، به ریزه کاریها و جزئیات رسم مصاحف عثمانی توجه نمی شد و تنها کلیات آن مطرح بود. این دیدگاه را می توان در قرائات مخالف با رسم مصحف به معنای امروزی از جمله قرائت کلمه «صراط» در سوره فاتحه با «سین» از سوی قنبل و رویس (نک: قاضی، ۱۴۲۸ق: ص ۲۲) و قرائت «لأهب» (مریم، ۱۹) به صورت «لیهب» از سوی ابو عمرو، یعقوب، ورش و دیگران (نک: ابن جزری، بی تا: ج ۲، ص ۳۱۷) مشاهده کرد. با این حال، در همین دوره، در مواردی به جزئیات متن مکتوب نیز توجه شده است. برای نمونه کسایی گفته است: «کاربرد «سراط» با سین نزد عرب بیشتر است؛ اما من با صاد قرائت می کنم و از خط پیروی می کنم» (ابن مجاهد، بی تا: ص ۱۰۷). این موارد را می توان به مثابه جرقه هایی برای ورود به رسم مصحف به معنای امروزی دانست که بعد از قرن چهارم فراگیر شد.

۷. مرحله احتجاج گسترده قاریان و دانشمندان به رسم مصحف در پذیرش قرائات

در این مرحله که تقریباً قرن سوم هجری را در بر می‌گیرد، دانشمندان علم قرائات در گستره وسیع‌تری به معیار مطابقت با رسم مصحف احتجاج کرده‌اند. البته نگاه این دانشمندان به معیار رسم مصحف در پذیرش قرائات، همچنان با نگاه عالمانی چون ابن‌جزری - که رسم مصحف را با تمام جزئیات آن بررسی می‌کند - متفاوت است. در ادامه، به نمونه‌هایی از این احتجاجات در کتاب‌های دانشمندان بارز این دوره اشاره می‌شود:

۱.۷ یحیی بن زیاد فرّاء (د. ۲۰۷ق)

فراء، در سراسر کتاب معانی القرآن، به مسأله رسم مصحف احتجاج کرده است (نک: فراء، ۱۴۰۳ق: ج ۱، صص ۹۶ و ۴۷۳؛ ج ۲، ص ۲۴۸). او قرائت «فما آتان الله» به حذف یاء را بر قرائت «فما آتانی الله» (نمل، ۳۶) به اثبات یاء و نصب آن ترجیح می‌دهد؛ زیرا رسم این کلمه در مصاحف، بدون یاء است (نک: دانی، ۱۴۰۳ق: صص ۳۰-۳۲؛ ابوداود، ۱۴۲۱ق: ج ۲، صص ۱۲۵-۱۳۱؛ ج ۴، ص ۹۴۹). ارکاتی پس از ذکر رسم صحیح این کلمه با نون مکسور (بدون یاء)، بیان می‌کند که شماری از قاریان به جهت پیروی از رسم مصحف، این کلمه را - چه در حالت وصل و چه در حالت وقف - بدون یاء خوانده‌اند (ارکاتی، ۱۳۳۱ق: ج ۵، صص ۱۰۲-۱۰۳). فراء پس از ذکر توضیحاتی درباره کلمه «آتانی» گفته است: «تبعیت از رسم مصحف نزد من - در صورتی که با ادبیات عربی و قرائت قاریان سازگار باشد - از خلاف آن محبوب‌تر است» (فراء، ۱۴۰۳ق: ج ۱، ص ۹۶).

نمونه دیگر از توجهات فراء به معیار رسم مصحف اینکه او در ترجیح قرائات «وَسَلَّ» و «فَسَلَّ» بر «وَأَسَأَلُ» و «فَسَأَلُ» گفته است: «کلمه «سَلَّ» در سراسر قرآن، بدون همزه قرائت می‌شود؛ زیرا اگر قرائت آن با همزه بود، به صورت «أَسَأَلُ» نوشته می‌شد... حمزه زیات، فعل امر را در این کلمات - زمانی که قبل از آن‌ها، فاء یا واو باشد - با همزه قرائت کرده است؛ مثل: «وَسَأَلِ» (یوسف، ۸۲) و «فَسَأَلِ» (یونس، ۹۴) و من این را نمی‌پسندم؛ زیرا اگر قرائت آن با همزه بود، الف آن نوشته می‌شد؛ همانطور که الف را در «فَأَضْرِبُ» (طه، ۷۷) و «وَأَضْرِبُ» (یس، ۱۳) نوشته‌اند» (فراء، ۱۴۰۳ق: ج ۱، صص ۱۲۴-۱۲۵).

۲.۷ ابو عبید قاسم بن سلام (د. ۲۲۴ق)

ابو عبید قاسم بن سلام از دانشمندان به نام قرائت در قرن سوم است (نک: ذهبی، ۱۴۱۷ق: صص ۱۰۱-۱۰۲). او کتابی با عنوان کتاب القراءات داشت که در آن، قرائات ۲۵ نفر از قاریان را ثبت کرده بود (ابن ندیم، بی تا: ص ۳۸؛ حاجی خلیفه، ج ۲، ص ۱۴۴۹). این کتاب اگرچه اکنون در دسترس نیست؛ اما برخی از عالمان بعد از جمله زجاج (د. ۳۱۱ق)، ابن مجاهد (د. ۳۲۴ق)، ابن انباری (د. ۳۲۸ق)، دانی (د. ۴۴۴ق) و سخاوی (د. ۶۴۳ق) مطالبی از آن نقل کرده‌اند (نک: الحمد، ۱۴۳۹ق: صص ۷۴-۷۹).

ابو عبید در نوشته‌های خود، از موافقت با رسم الخط به عنوان یکی از معیارهای پذیرش قرائت یاد کرده است (نک: ابو عبید، ۱۴۱۱ق: ص ۲۱۷). ابن انباری در کتاب ایضاح الوقف والابتداء، مطالبی را از ابو عبید نقل می‌کند که نشان می‌دهد معیار رسم مصحف در نزد او تا چه اندازه اهمیت داشته است. او می‌گوید:

قاریان قرآن درباره اثبات یا حذف هاء در قرائت ﴿لَمْ يَتَسَنَّهٗ﴾ (بقره، ۲۵۹) اختلاف کرده‌اند. ابو جعفر، شبیه، نافع، عاصم و ابن کثیر، حرف هاء را در «يَتَسَنَّهٗ» - چه در حالت وقف و چه در حالت وصل - قرائت می‌کنند. این مطلب درباره مواضع ﴿فِيهِدَاهُمْ اَقْتَدِهٗ﴾ (انعام، ۹۰)، ﴿يَا لَيْتَنِي لَمْ اُوتَ كِتَابِيَهٗ. وَلَمْ اَدْرِ مَا حِسَابِيَهٗ﴾ (حاقه، ۲۵-۲۶) و ﴿وَمَا اَدْرَاكَ مَا هِيَهٗ﴾ (قارعه، ۱۰) نیز صادق است. ابو عمرو در قرائت این آیات با قاریان مذکور موافق است؛ جز اینکه او آیه ۹۰ سوره انعام را در هنگام وصل، به حذف هاء و در وقف، به اثبات هاء قرائت می‌کند (ابن انباری، ۱۳۹۱ق: ج ۱، ص ۳۰۴).

ابن انباری پس از ارائه بحث مفصل درباره قرائت هاء سکت در این آیات، سخنی از قول ابو عبید نقل می‌کند که گفته است: «اختیار من در تمامی این موارد، لزوم وقف با اثبات هاء است؛ زیرا وصل آن در صورت اثبات هاء، مخالف با قواعد زبان عربی و در صورت حذف هاء، مخالف با رسم مصحف است. اما اگر قاری در این مواضع عمل سکت را انجام دهد و حرف هاء را نیز اثبات کند، هر سه رکن سازگاری با زبان عربی، مطابقت با خط و هماهنگی با اجماع قاریان، را رعایت کرده است» (ابن انباری، ۱۳۹۱ق: ج ۱، ص ۳۱۱).

۳.۷ ابوجعفر محمد بن جریر طبری (د. ۳۱۰ق)

ابوجعفر طبری، مفسر، مورخ و قاری مشهور قرن سوم و چهارم هجری، کتابی جامع در قرائات قرآن داشت که اکنون در دسترس نیست. این کتاب در هجده جلد تنظیم شده بود و تمامی قرائات اعم از مشهور و شاذ را به همراه شرح و تعلیل آن‌ها شامل می‌شد (نک: یاقوت حموی، ج ۱۸، ص ۴۵). او در این کتاب، قرائت حدود بیست تن از قاریان مربوط به دوره صحابه، تابعان و غیر آنها را به تفصیل بیان کرده بود (نک: مکی بن ابی طالب، ۱۹۷۵م: ص ۵۳).

طبری، رعایت رسم مصحف را در پذیرش قرائات شرط می‌دانست. او در کتاب جامع البیان می‌گوید: «مخالفت با رسم مصاحف مسلمانان بر هیچ کسی جایز نیست» (طبری، ۱۴۱۵ق: ج ۱، ص ۳۳۰). وی همچنین بیان می‌کند: «تغییر رسم مصاحف مسلمانان بر هیچ کس جایز نیست» (همان، ج ۱۷، ص ۴۲). او در تفسیر خود بارها به مخالفت با قرائات ناسازگار با رسم مصحف برخاسته است (برای نمونه نک: همان، ج ۱، ص ۳۳؛ ج ۲، ص ۱۳۶؛ ج ۳، ص ۲۴۶). در اینجا به ذکر چند مثال در این باره اکتفا می‌شود:

- درباره قرائت ﴿إِلَّا أَنْ تَقَطَّعَ﴾ (توبه، ۱۱۰) می‌گوید: «حسن بصری این آیه را به صورت «إِلَى أَنْ تَقَطَّعَ» قرائت می‌کرد... اما این قرائت، مخالف با مصاحف مسلمانان است و به این دلیل آن را جایز نمی‌دانم» (همان، ج ۱۴، صص ۴۹۷-۴۹۸).
- درباره قرائت ﴿يَوْمَ يَأْتِ لَأ تَكَلَّمُ نَفْسٌ إِلَّا بِإِذْنِهِ﴾ (هود، ۱۰۵) می‌گوید:

برخی از قاریان بصره و کوفه، این آیه را به اثبات یاء در وصل و به حذف یاء در وقف قرائت کرده‌اند. همچنین، گروهی از کوفیان، آن را به حذف یاء در هر دو حالت وصل و وقف قرائت کرده‌اند. قرائت صحیح نزد من، (يَوْمَ يَأْتِ) به حذف یاء - چه در حالت وصل و چه در حالت وقف - به جهت رعایت خط مصحف است (طبری، ۱۴۱۵ق: ج ۱۵، ص ۴۷۹).

غانم قدوری الحمد، دیدگاه طبری را درباره موافقت با رسم مصحف، موافقت قطعی و صریح می‌داند (نک: الحمد، ۱۴۳۹ق: صص ۱۶۶-۱۶۷)؛ زیرا طبری در آیه ﴿إِنِّي أَخْلُقُ لَكُمْ مِنَ الطَّيْنِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ فَأَنْفُخُ فِيهِ فَيَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِ اللَّهِ﴾ (آل عمران، ۴۹)، با استناد به معیار موافقت با رسم مصحف، قرائت «الطير» و «طيرا» را بر «الطائر» و «طائرا» ترجیح داده است (نک: طبری، ۱۴۱۵ق: ج ۶، ص ۴۲۵). البته با توجه به ویژگی‌های خط مصاحف نخستین،

مراحل تطوّر معیار «مطابقت قرائت با رسم مصحف» در پذیرش ... ۳۵

نمی‌توان از معیار رسم مصحف در ترجیح یکی از قرائت‌ها در این مورد خاص استفاده کرد؛ به ویژه آنکه گفته شد که در آن زمان، برای نشان دادن فتحه کشیده یا الف، قانون نظام‌مندی وجود نداشت (نک: الحمد، ۱۴۲۵ق: صص ۶۷-۷۴)؛ همچنان‌که طبری نیز در آیه مذکور، از رسم مصحف، تنها به عنوان یک گزینه برای تقویت دیدگاه خود در قرائت آیه استفاده کرده است (نک: طبری، ۱۴۱۵ق: ج ۶، ص ۴۲۵).

علاوه بر قاریان مذکور، در این دوره می‌توان از تلاش‌های شخصیت‌هایی چون غازی بن قیس (د. ۱۹۹ق)^۲، نصیر بن یوسف (د. ۲۴۰ق)^۳، محمد بن عیسی اصفهانی (د. ۲۵۳ق)^۴ و ابوحاتم سجستانی (د. ۲۵۵ق)^۵ در ارتباط با معیار رسم مصحف نام برد.

افزون بر موارد مذکور، پیش از ورود به مرحله بعد در اینجا باید از کتاب المصاحف ابن‌ابی‌داود سجستانی (د. ۳۱۶ق) نام برد که یکی از مهم‌ترین کتاب‌های نوشته‌شده در زمینه رسم مصحف است. سجستانی در این کتاب، بحث‌های مهمی درباره نگارش قرآن از آغاز نزول وحی مطرح کرده است که از جمله آن‌ها عبارتند از: کتابت قرآن در عصر پیامبر اکرم (ص)، جمع قرآن در عصر خلفای نخستین، مصاحف عثمان و اختلافات آن‌ها، مصاحف صحابه و تابعین و چگونگی نگارش برخی از کلمات قرآن در مصحف.

۸. مرحله قطعیت یافتن معیار مطابقت با رسم مصحف

قرن‌های چهارم تا هشتم هجری را می‌توان مرحله قطعیت یافتن معیار مطابقت با رسم مصحف دانست. این مرحله، مقارن با عصر ابن‌مجاهد (د. ۳۲۴ق) تا عصر ابن‌جزری (د. ۸۳۳ق) است که می‌تواند دوره پذیرش و تثبیت قرائت هفت‌گانه و ده‌گانه در تاریخ قرائت به شمار آید. در این عصر، دانشمندان بزرگی ظهور کردند که موجبات تکامل معیار مطابقت با رسم مصحف را فراهم کردند. در ادامه، نمونه‌هایی از این فعالیت‌ها به اختصار ذکر می‌شود:

۱.۸ ابن‌مجاهد (م ۳۲۴ق)

ابن‌مجاهد (د. ۳۲۴ق)، در تاریخ قرائت نقش ویژه‌ای دارد. کار او در تحدید قرائت، نقطه عطفی در تاریخ قرآن است. به طور کلی، ابن‌مجاهد، دو گونه معیار داشته است:

۱- معیارهای قرائت محور (برای پذیرش یک قرائت): ابن مجاهد، ریشه قرائات را و حیانی نمی دانست و از میان آنها، قرائاتی را می پذیرفت که با معیارهای او مطابقت داشته باشند. این معیارها که در این مقاله از آنها با عنوان معیارهای قرائت محور یاد می شود، نزد ابن مجاهد عبارتند از صحت سند، مطابقت با رسم الخط و موافقت با قواعد زبان عربی. به عبارت دیگر، او در پذیرش قرائت هر یک از واژگان قرآن، سه شرط فوق را ضروری می دانست (ضیف، بی تا: ص ۱۷). موضع تند ابن مجاهد در مقابل ابن مقسم (د. ۳۵۴ق) - که اعتنای چندانی به ملاک صحت سند و اجماع قاریان نداشت (نک: خطیب بغدادی، ۴۱۷ق: ج ۲، ص ۲۰۶-۲۰۷) - و همچنین مخالفت با برخی از قرائات به دلیل ناسازگاری با زبان عربی، نشان می دهد که معیار صحت سند و موافقت با قواعد زبان عربی نزد او از اهمیت برخوردار بود (همان). اقدام شدید ابن مجاهد علیه ابن شنبوذ (د. ۳۲۷ق) نشان از آن دارد که معیار مطابقت با رسم مصحف نزد او تا چه اندازه اهمیت داشت؛ زیرا ابن شنبوذ، به شواذ اعتماد و بر اساس آنها قرائت می کرد. او وجوهی را به نقل از ابن مسعود و ابی بن کعب قرائت می کرد که مخالف با رسم مصاحف عثمانی بود (نک: خطیب بغدادی، ۴۱۷ق: ج ۱، ص ۲۸۰؛ ابن جزری، ۴۲۹ق: ج ۲، ص ۵۴)؛ از این رو، ابن مجاهد به مقابله با او برخاست و در نهایت، کار وی را به ابن مقله، وزیر وقت سپرد. ابن مقله، ابن شنبوذ را احضار کرد و قاضیان، فقیهان و قاریان را نیز - که در صدر آنان ابن مجاهد حضور داشت - فراخواند. ابن شنبوذ در آن مجلس، به چیزی که به او نسبت داده می شد، اذعان کرد و همچنان بر آن اصرار ورزید. بر این اساس، اجماع بر مجازات او از سوی حاضران شکل گرفت. سرانجام، ابن شنبوذ مجبور به توبه علنی شد (نک: خطیب بغدادی، ۴۱۷ق: ج ۱، صص ۲۸۰-۲۸۱؛ ذهبی، ۴۱۷ق: صص ۱۵۶-۱۵۹). از سوی دیگر، پذیرش قرائات مخالف با رسم مصحف به معنای امروزی در میان قرائات هفت گانه از سوی ابن مجاهد، نشان از آن دارد که معنای موافقت قرائت با رسم مصحف در نزد او، موافقت با کلیات متن مکتوب و رد قرائت امثال ابن مسعود بوده است؛ نه رسم مصحف به معنای فعلی آن. (حاجی اسماعیلی، ۱۳۸۴ش: ص ۶۴).

۲- معیارهای قاری محور (برای معرفی قاریان هفت گانه): گونه دوم معیار ابن مجاهد که به هنگام تسبیح قرائات و معرفی هفت قاری مشهور از آنها سود جست - که در اینجا با عنوان معیارهای قاری محور از آن یاد می شود - با معیار قرائت محور او متفاوت است. برخی از دانشمندان از جمله عبدالهادی فضلی، میان این دو گونه معیار، خلط کرده اند (نک:

مراحل تطوّر معیار «مطابقت قرائت با رسم مصحف» در پذیرش ... ۳۷

فضلی، ۱۴۳۰ق: صص ۱۲۱-۱۲۲). فضلی در بحث از مقیاس‌های قرائی بیان کرده است که مقیاس ابن‌مجاهد متوجه شخص قاری است و از این طریق، به قرائت او نیز اعتبار می‌بخشد؛ حال آنکه مقیاس‌های سایر قاریان، مستقیماً خود قرائت را مورد توجه قرار می‌دهد (فضلی، ۱۴۳۰ق: صص ۱۲۲-۱۲۳). چنانکه ملاحظه می‌کنیم عبدالهادی فضلی، معیارهای قاری‌محور ابن‌مجاهد برای معرفی قاریان هفت‌گانه را با معیارهای قرائت‌محور سایر قاریان برای پذیرش یک قرائت مقایسه کرده است؛ حال آنکه این دو مقوله امری متمایز از یکدیگر است.

۲۸ ابن‌خالویه (م ۳۷۰ق)

یکی از شخصیت‌های مهم علم قرائت در این مرحله، ابن‌خالویه است. او که از شاگردان ابن‌مجاهد در بغداد بود (نک: قفطی، ۱۴۲۴ق: ج ۱، ص ۳۵۹)، پیروی از رسم مصحف در قرائت را ضروری می‌دانست و نسبت به آن حریص بود (فضلی، ۱۴۳۰ق: صص ۳۸-۳۹؛ شلبی، ۱۴۰۳ق: ص ۶۶). برای نمونه، او با استناد به رسم مصحف، واژگان «هزؤاً» و «کفوؤاً» را به ضم حرف دوم و با همزه و در مقابل، واژه «جزءاً» را به سکون زای و با همزه قرائت کرده است؛ زیرا بر خلاف دو کلمه نخست، واژه «جزءاً» در مصحف، بدون واو نوشته شده است (نک: ابن‌خالویه، ۱۴۰۱ق: ص ۸۱). وی همچنین، قرائت واژه «ملیک» در سوره حمد را به دلیل مخالفت با رسم مصحف، غیر قابل پذیرش دانسته است (نک: ابن‌خالویه، ۱۹۸۵م: ص ۲۳).

۳۸ مکی بن ابی‌طالب (م ۴۳۷ق)

مکی بن ابی‌طالب، از دانشمندان به نام قرائت در قرن پنجم است. او در کتاب‌های خود اهتمام فراوانی به مسأله رسم مصحف دارد. او شرط مطابقت با رسم مصحف را - به همراه شروط صحت سند و قوت وجه در زبان عربی - در قرائت قرآن، ضروری می‌دانست (نک: مکی بن ابی‌طالب، ۱۹۷۵م: صص ۸۹-۹۱؛ همو، ۱۴۰۵م: ج ۱، صص ۶۹ و ۳۸۸؛ همو، ۱۴۲۹ق، ج ۳، ص ۳۲۵). موضع مکی درباره معیار مطابقت قرائت با رسم مصحف از دو زاویه، قابل بررسی است: نخست اینکه او قرائت مخالف با رسم مصحف را جایز نمی‌داند

و دوم اینکه او در اختیار قرائات، موارد موافق با رسم مصحف را برمی‌گزیند (الحمد، ۱۴۳۷ق: صص ۲۷-۲۸).

مکی در موارد زیادی با احتجاج به رسم مصحف، قرائتی را بر قرائت دیگر ترجیح داده است که بررسی آنها مجال وسیع‌تری می‌خواهد. برای نمونه، او قرائت الف پایانی در واژگان «الظنونا»، «الرسولا» و «السببلا» (احزاب، ۱۰، ۶۶، ۶۷) را بنا به معیار مطابقت با رسم مصحف ارجح دانسته و اختیار خود را بر این اساس قرار داده است (نک: مکی بن ابی‌طالب، ۱۴۰۴ق: ج ۲، صص ۱۹۴-۱۹۵).

علاوه بر مواردی که گفتیم، دانشمندان دیگری نیز در این مرحله، همچون ابوشامه (د. ۶۶۵ق) و کواشی (د. ۶۸۰ق) در تکامل معیار مطابقت با رسم مصحف نقش به‌سزایی داشته‌اند (برای اطلاعات تفصیلی نک: ابوشامه، ۱۴۲۴ق: ص ۱۳۷؛ سیوطی، ۱۴۲۱ق: ج ۱، ص ۲۷۳؛ فضلی، ۱۴۳۰ق: صص ۱۲۲-۱۲۴).

اتفاق مهم دیگری که در این مرحله رخ داد، آغاز توجه به رسم مصحف به مثابه یک علم مستقل بود. پیش از قرن پنجم هجری، رسم مصحف تنها یک علم وابسته به قرائات بود. به عبارت دیگر، اهتمام به رسم مصحف نه به خاطر خود رسم مصحف، بلکه به دلیل ارتباط آن با قرائت بود؛ اما از قرن پنجم، رسم مصحف به مثابه یک علم مستقل در میان دانشمندان مورد توجه قرار گرفت. البته پیش از آن، مالک بن انس (د. ۱۷۹ق) و احمد بن حنبل (د. ۲۴۱ق) در فتاوایی، تغییر هجای قرآن را جایز ندانسته بودند. (نک: دانی، ۱۴۰۳ق: ص ۱۹؛ زرکشی، ۱۴۱۰ق: ج ۲، ص ۱۴).

لزوم التزام به رسم قدیم مصحف نزد افرادی چون مالک و ابن‌حنبل، به خاطر ترس از تحریف قرآن بود؛ نه قداست امری به نام رسم مصحف عثمانی (مستفید، ۱۳۸۰ش: ص ۳۱)؛ اما فتوای این چنینی از یک سو و اهمیت معیار رسم مصحف از سوی دیگر باعث شد که به تدریج رسم مصحف فی نفسه با موضوع شیوه رسم مصاحف عثمانی مورد توجه قرار گیرد. نمونه کتاب‌هایی که با این رویکرد نوشته شده، عبارتند از: هجاء مصاحف الأمصار، ابوالعباس مهدوی (د. ۴۴۰ق)؛ المقنع فی رسم مصاحف الأمصار، ابوعمرو دانی (د. ۴۴۴ق)، مختصر التبيين لهجاء التنزيل، ابوداود سلیمان بن نجاح (د. ۴۹۶ق)؛ الجامع لما يحتاج اليه من رسم المصحف، ابراهیم بن وثیق اندلسی (د. ۶۵۴ق)؛ نثر المرجان فی رسم نظم القرآن، محمد غوث ارکاتی (د. ۱۲۳۸ق).

۹. مرحله بازنگری نهایی در معیار مطابقت با رسم مصحف

آخرین مرحله از مراحل تاریخی معیار مطابقت با رسم مصحف، بازنگری نهایی در مفهوم آن است. دیدگاه نهایی در این باره، در زمان ابن جزری (د. ۸۳۳ق) شکل گرفته و تا امروز ادامه یافته است. ابن جزری چون برای قرائات دهگانه، ریشه و حیانی قائل بود (نک: ابن جزری، بی تا: ج ۱، ص ۵۱)، سعی در گسترش دایره شمول معیارهای پذیرش قرائات داشت تا حتی الامکان تمامی قرائات دهگانه بتواند در زمره آن قرار گیرد. او برای مثال، درباره معیار موافقت با زبان عربی، برخلاف پیشینیان خود از جمله ابن خالویه و مکی بن ابی طالب، وجه ضعیف را نیز قابل قبول می دانست (فضلی، ۱۴۳۰ق: ص ۱۲۲). او درباره معیار مطابقت با رسم مصحف نیز تصریح کرده است که قرائت یک کلمه حتی اگر با رسم احتمالی آن سازگار باشد، پذیرفتنی است. او در این خصوص در کتاب النشر می گوید: «هر قرائتی که با وجهی از وجوه زبان عربی موافق باشد و با یکی از مصاحف عثمانی - ولو به صورت احتمالی - مطابقت داشته باشد و علاوه بر آن، سند درستی نیز داشته باشد، صحیح است و ردّ و انکار آن جایز نیست... و اگر یکی از این ارکان سه گانه مختل گردد، به آن قرائت، ضعیف یا شاذ یا باطل گفته می شود؛ چه از سوی قاریان سبعة باشد، چه حتی بزرگتر از آنان» (ابن جزری، بی تا: ج ۱، ص ۹).

رسم مصحف در نگاه ابن جزری، بر خلاف عالمان دوره های پیشین از جمله فراء و ابن مجاهد، توجه به رسم مصاحف عثمانی با جزئیات کامل آن است؛ از این رو، او سعی دارد با طرح مباحثی از جمله موافقت تقدیری و احتمالی، تمامی قرائات دهگانه مورد نظر خود را سازگار با معیار رسم مصحف معرفی کند.

منظور از موافقت واقعی، موافقت حداکثری و منظور از موافقت احتمالی، موافقت حداقلی است. ابن جزری در این باره گفته است: «موافقت با رسم مصحف در برخی موارد، قطعی و صریح و در مواردی دیگر، تقدیری و احتمالی است؛ چنان که در موضعی به اتفاق با رسم الخط قرآنی مخالفت شده است؛ مانند: «السموات»، «الصلحت»، «اللیل»، «الصلوة»، «الزکوة»، «الربوا»، «لنظر کیف تعملون» و «جایء». موافقت برخی از قرائات با رسم، به صورت قطعی و موافقت برخی دیگر به صورت تقدیری است؛ مانند: «ملک یوم الدین» که در تمام مصاحف بدون الف نوشته شده است؛ از این رو، باید گفت که قرائت به حذف الف (یعنی «ملک») موافقت قطعی با رسم مصحف دارد ... و قرائت با الف (یعنی «مالک») نیز به صورت احتمالی و تقدیری با آن موافق است (ابن جزری، بی تا: ص ۱۱). اعتقاد

ابن جزری چه درباره وحیانی بودن قرائات دهگانه و چه درباره معیارهای قرائت صحیح از جمله معیار مطابقت با رسم مصحف تا امروز در میان اکثر اهل سنت ادامه داشته است (فضلی، ۱۴۳۰ق: ص ۱۲۱).

در پایان ذکر این مطلب خالی از لطف نیست که محمدهادی معرفت نظری متفاوت درباره معیارهای پذیرش قرائات دارد. او بنا به دلایلی از جمله در دسترس نبودن مصاحف عثمانی در طول تاریخ و قطعی نبودن چگونگی رسم آنها، صلاحیت معیار مطابقت با رسم مصحف را زیر سؤال برده است. به عقیده او، بازنگری ابن جزری در این معیار و افزودن قید موافقت احتمالی به آن، این معیار را به کلی بی اثر کرده است؛ زیرا در این صورت، بسیاری از قرائات شاذ و ضعیف در زمره قرائات موافق با رسم مصحف و چه بسا قرائات صحیح قرار می گیرند (نک: معرفت، ۱۴۱۰ق: ج ۲، صص ۱۲۷-۱۴۴). گفتنی است که محمدهادی معرفت درباره تمامی معیارهای سه گانه پذیرش قرائات مناقشه کرده است. او پیروی از این شروط را چیزی جز تقلید ظاهری خلف از سلف نمی داند. او در بخشی با عنوان «اختیارنا فی ضابط القبول» بیان کرده است که متن متواتر قرآن، نسل به نسل و با جزئیات کامل در میان مسلمانان قرائت شده و از این طریق نزد عامه مردم محفوظ مانده است (همان، ج ۲، ص ۱۴۵). او با بیان این مطلب از آیت الله خوئی که تواتر قرآن مستلزم تواتر قرائات نیست، قرائت موسوم به «قرائت عامه» را متواتر و غیر آن را شاذ دانسته است (همان). به اعتقاد معرفت، قرائات به خودی خود شأن و منزلتی ندارند؛ جز اینکه راهی برای شناخت قرآن متواتر نزد عامه به شمار می روند. به گفته او، قرائت عامه مسلمانان همان است که از ابتدای اسلام تاکنون از سوی مردم قرائت شده است؛ قرائتی که با قرائت عاصم به روایت حفص مطابقت دارد (نک: معرفت، ۱۴۱۰ق: ج ۲، صص ۱۷۰ و ۱۸۲). دیدگاه مزبور از سوی بسیاری از محققان نقد شده است (برای نمونه نک: ایزدی و ذوقی، ۱۳۹۶ش: صص ۴۹-۶۶؛ همامی و پوراسماعیل، ۱۳۸۷ش: صص ۲۳-۳۴) که پرداختن به جزئیات آن در این مقال نمی گنجد.

۱۰. نتیجه گیری

معیار مطابقت با رسم مصحف، از زمان پیدایش، پنج مرحله مهم را سپری کرده است که عبارتند از: ۱- آغاز توجه به متن مکتوب قرآن به مثابه یک معیار؛ ۲- گسترش گفتمان رسم مصحف؛ ۳- احتجاج گسترده قاریان و دانشمندان به رسم مصحف در پذیرش قرائات؛ ۴-

قطعیت یافتن معیار مطابقت با رسم مصحف؛ ۵- بازنگری نهایی در معیار مطابقت با رسم مصحف.

توجه به متن مکتوب قرآن به مثابه یک معیار در کنار نقل شفاهی، بعد از توحید مصاحف آغاز شد. این رخداد، نقطه عطفی در توجه به مسأله رسم قرآن در تاریخ قرائات است. ارائه متن مکتوب رسمی از سوی عثمان، با هدف خارج ساختن قرائات برخی از صحابه و پیروان آنان به عنوان قرائات شاذ انجام گرفت؛ اما در دوره‌های بعد، رویکردهای متفاوتی از سوی قاریان نسبت به معیار رسم مصحف اتخاذ شد. متن مکتوب رسمی مورد استقبال قاریان قرار گرفت؛ با این حال، عده‌ای از جمله ابن مسعود توجه زیادی به این مسأله نکردند. در مراحل نخست، دانشمندان در ارتباط با معیار مطابقت با رسم مصحف، کلیت متن مکتوب قرآن را - خارج از نگاه‌های جزئی و موشکافانه - مد نظر قرار داشتند؛ اما در مراحل متأخر، رسم مصحف به صورت جدی‌تر و با جزئیات بیشتری مورد بررسی قرار گرفت. با این حال، مواردی از تبعیت از رسم مصحف در قرائت به معنای کامل را می‌توان در قرون دوم و سوم هجری مشاهده کرد که می‌توان آنها را به مثابه جرقه‌هایی برای ورود به معیار رسم مصحف به معنای امروزی دانست که بعد از قرن چهارم هجری فراگیر شد.

قرن‌های چهارم تا هشتم هجری را می‌توان مرحله قطعیت یافتن معیار مطابقت با رسم مصحف دانست. در این عصر، دانشمندان بزرگی در علم قرائات ظهور کردند و با آثار و نوشته‌های خود، موجب تکامل معیار مطابقت قرائت با رسم مصحف شدند. اتفاق مهم دیگر در این مرحله، آغاز توجه به رسم المصحف به مثابه یک دانش مستقل از اوایل قرن پنجم هجری بود.

آخرین مرحله از مراحل تاریخی معیار مطابقت با رسم مصحف، مرحله بازنگری نهایی در آن است. دیدگاه نهایی در این باره، در زمان ابن جزری شکل گرفته و تا امروز ادامه داشته است. ابن جزری که بر خلاف عالمان بزرگی چون طبری، ابن مجاهد و ابن خالویه، ریشه قرائات را وحیانی می‌دانست، سعی در گسترش دایره شمول معیارهای پذیرش قرائات داشت تا حتی الامکان تمامی قرائات ده‌گانه در زمره آن قرار گیرد. او درباره معیار مطابقت با رسم مصحف معتقد بود که قرائت یک کلمه حتی اگر با رسم احتمالی آن نیز سازگار باشد، قابل قبول است. رسم مصحف در نگاه ابن جزری، بر خلاف عالمان دوره‌های پیشین از جمله فراء و ابن مجاهد، توجه به رسم مصاحف عثمانی با جزئیات کامل آن است؛

از همین رو، او سعی دارد با طرح مباحثی از جمله موافقت تقدیری و احتمالی، تمامی قرائات دهگانه مورد نظر خود را که نازل من عند الله می‌داند، سازگار با معیار رسم مصحف معرفی کند.

پی‌نوشت‌ها

۱. درباره تعداد نسخه‌های تدوین شده از سوی عثمان، اقوال مختلفی وجود دارد (نک: رامیار، ۱۳۶۹ش: صص ۴۵۹-۴۶۵). در روایتی، از حمزه نقل شده است که عثمان، چهار نسخه نوشت و یکی از آن‌ها را به کوفه فرستاد (سجستانی، ۱۴۲۳ق: ص ۴۳). بنا به گفته دانی، اکثر عالمان بر این باورند که عثمان، چهار نسخه از قرآن را تدوین کرد؛ چنان‌که یکی از آن‌ها را در مدینه باقی گذاشت و سه نسخه دیگر را به شهرهای کوفه، بصره و شام فرستاد. همچنین گفته شده است که او هفت نسخه را تدوین کرد و علاوه بر شهرهای مذکور، به شهرهای مکه، یمن و بحرین نیز ارسال کرد. دانی پس از ذکر مطالب مزبور، قول اول را صحیح‌تر دانسته است (نک: دانی، ۱۴۰۳ق: ص ۹).

۲. غازی بن قیس قرطبی (د. ۱۹۹ق) - صاحب کتاب «هجاء السنه» - شاگرد نافع و نخستین کسی بود که قرائت او را در اندلس معرفی کرد (ذهبی، ۱۴۲۷ق: ج ۸، ص ۷۷).

۳. نصیر بن یوسف، از علمای کوفه و از اصحاب و شاگردان کسایی بود (نک: ابن‌ابی‌حاتم، ۱۳۷۱ق: ج ۸، ص ۴۹۳؛ ذهبی، ۱۴۱۷ق: ص ۱۲۵؛ ابن‌ندیم، بی‌تا: ص ۷۲). او از پیشوایان علم رسم المصحف در زمان خود بوده است (نک: ذهبی، ۱۴۱۷ق: ص ۱۲۵).

۴. محمد بن عیسی اصفهانی، از عالمان مشهور و صاحب تألیفاتی ارزشمند در حوزه قرائات و رسم المصحف بود (نک: ذهبی، ۱۴۱۷ق: ج ۱، ص ۱۳۰).

۵. ابوحاتم سجستانی، پیشوای علوم قرائت، نحو، لغت و غیر آنها در نیمه نخست قرن سوم هجری در بصره بود. (نک: ابن‌جزری، ۱۴۲۹ق: ج ۱، ص ۳۲۰).

کتاب‌نامه

قرآن کریم

- ابن ابی حاتم (۱۳۷۱ق)، الجرح والتعديل، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
- ابن اثیر، علی بن محمد (بی‌تا)، أسد الغابة فی معرفة الصحابة، بیروت، دارالکتاب العربی.
- ابن انباری، محمد بن قاسم (۱۳۹۱ق)، ایضاح الوقف والابتداء، دمشق، مجمع اللغة العربیة.
- ابن جزری، ابوالخیر محمد (بی‌تا)، النشر فی القراءات العشر، بی‌جا، دارالفکر.
- ابن جزری، ابوالخیر محمد (۴۲۹ق)، غایة النهاية، طنطا، دارالصحابة للتراث.
- ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی (۱۳۷۹ق)، فتح الباری، بیروت، دارالمعرفة.
- ابن خالویه، حسین بن احمد (۱۹۸۵م)، اعراب ثلاثین سورة من القرآن الکریم، بیروت، مكتبة الهلال.
- ابن خالویه، حسین بن احمد (۴۰۱ق)، الحججة فی القراءات السبع، بیروت، دارالشروق.
- ابن شهر آشوب، محمد بن علی (۱۳۷۶ق)، مناقب آل ابی طالب، نجف، المكتبة الحیدریة.
- ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله (۴۱۲ق)، الاستیعاب فی معرفة الاصحاب، بیروت، دارالجيل.
- ابن فارس، احمد (۴۰۴ق)، معجم مقاییس اللغة، قم، مكتب الاعلام الاسلامی.
- ابن مجاهد، ابوبکر احمد بن موسی (بی‌تا)، السبعة فی القراءات، تحقیق: شوقی ضیف، قاهره، دارالمعارف.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۴۱۴ق)، لسان العرب، بیروت، دارصادر.
- ابن ندیم، محمد بن اسحاق (بی‌تا)، فهرست ابن‌الندیم، تهران، بی‌نا.
- ابن هشام، عبدالملک (بی‌تا)، السیرة النبویة، بیروت، دارالمعرفة.
- ابوداود، سلیمان بن نجاح (۴۲۱ق)، مختصر التبیین لهجاء التنزیل، مدینه، مجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشريف.
- ابوشامه، عبدالرحمن (۴۲۴ق)، المرشد الوجیز إلى علوم تتعلق بالکتاب العزیز، بیروت، دارالکتب العلمیة.
- ابوعبید، قاسم بن سلام (۴۱۱ق)، فضائل القرآن، بیروت، دارالکتب العلمیة.
- ابن حنبل، احمد (بی‌تا)، مسند أحمد، بیروت، دارصادر.
- ارکاتی، محمد بن غوث (۱۳۳۱ق)، نثر المرجان فی رسم نظم القرآن، حیدرآباد دکن، مطبعة عثمان بريس.
- ازهری، محمد بن احمد (۴۲۱ق)، تهذیب اللغة، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- امین، سیدمحسن (بی‌تا)، اعیان الشیعة، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات.
- آقابزرگ تهرانی (۴۰۳ق)، الذریعة الی تصانیف الشیعة، بیروت، دارالأضواء.
- ایزدی و ذوقی، مهدی و امیر (۱۳۹۶ش)، «بی‌جویی قرائت عامه در کتب تفسیری سده‌های نخست و نقش آن در ترجیح قرائت»، پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن، شماره ۱۱، صص ۴۹-۶۸.

- بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۰۱ق)، صحیح البخاری، بیروت، دارالفکر.
بروکلمان، کارل (بی تا)، تاریخ الأدب العربی، مترجم: عبدالحلیم نجار، قاهره، دارالمعارف.
جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۳۰ق)، الصحاح: تاج اللغة وصحاح العربیة، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
حاجی اسماعیلی، محمدرضا (۱۳۸۴ش)، «بررسی تعامل و تقابل بین دو حوزه قرائت و کتابت قرآن از عصر نزول تا تسبیح قرائت»، مطالعات اسلامی، شماره ۶۸، صص ۴۵-۶۶.
الحمد، غانم قدوری (۱۴۳۹ق)، القراءات القرآنیة، عمان، جمعیه المحافظه علی القرآن الکریم.
الحمد، غانم قدوری (۱۴۳۳ق)، المیسر فی علم رسم المصحف الشریف وضبطه، جده، مرکز الدراسات والمعلومات القرآنیة بمعهد الامام الشاطبی.
الحمد، غانم قدوری (۱۴۳۷ق)، جهود الامام مکی بن ابی طالب القیسی فی رسم المصحف، عمان، جمعیه المحافظه علی القرآن الکریم.
الحمد، غانم قدوری (۱۴۲۵ق)، رسم المصحف دراسة لغویة تاریخیة، عمان، دارعمار.
خطیب بغدادی، ابوبکر (۱۴۱۷ق)، تاریخ بغداد، بیروت، دارالکتب العلمیة.
دانی، ابوعمر و عثمان بن سعید (۱۴۱۶ق)، التیسیر فی القراءات العشر، بیروت، دارالکتب العلمیة.
دانی، ابوعمر و عثمان بن سعید (۱۴۰۷ق)، المحکم فی نقط المصاحف، دمشق، دارالفکر.
دانی، ابوعمر و عثمان بن سعید (۱۴۰۳ق)، المقنع فی رسم مصاحف الأمصار، دمشق، دارالفکر.
دانی، ابوعمر و عثمان بن سعید (۱۴۲۸ق)، جامع البیان فی القراءات السبع، امارات، جامعه الشارقة.
ذوقی، امیر (۱۳۹۶ش)، ملاکهای ترجیح قرائت و توسعه آن، تهران، دانشگاه امام صادق علیه السلام.
ذهبی، شمس الدین (۱۴۱۷ق)، معرفة القراء الکبار، بیروت، دارالکتب العلمیة.
ذهبی، شمس الدین (۱۴۲۷ق)، سیر أعلام النبلاء، قاهره، دارالحدیث.
رامیار، محمود (۱۳۶۹ش)، تاریخ قرآن، تهران، امیرکبیر.
زرقانی، محمد عبدالعظیم (۱۹۴۸م)، مناهل العرفان، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
زرکشی، محمد بن عبدالله (۱۴۱۰ق)، البرهان فی علوم القرآن، بیروت، دارالمعرفة.
زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۰۷ق)، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت، دارالکتب العربی.
زنجانی، ابو عبدالله (۱۴۰۴ق)، تاریخ القرآن، تهران، منظمه الاعلام الاسلامی.
سجستانی، ابوبکر بن ابی داود (۱۴۲۳ق)، کتاب المصاحف، قاهره، الفاروق الحدیثه.
سخاوی، علی بن محمد (۱۴۲۷ق)، الوسيلة الی کشف العقیلة، دارالصحابه للتراث بطنطا.
صفاقسی، علی النوری (۱۴۲۵ق)، غیث النفع فی القراءات السبع، بیروت، دارالکتب العلمیة.
سلیم بن قیس (۱۴۲۲ق)، کتاب سلیم بن قیس، تحقیق: محمدباقر انصاری، قم، دلیل ما.
سیوطی، جلال الدین (۱۴۲۱ق)، الإتقان فی علوم القرآن، بیروت، دارالکتب العربی.

مراحل تطوّر معیار «مطابقت قرائت با رسم مصحف» در پذیرش ... ۴۵

- سیوطی، جلال‌الدین (۱۴۰۱ق)، الجامع الصغیر، بیروت، دارالفکر.
- شلبی، عبدالفتاح (۱۴۰۳ق)، رسم المصحف العثماني، جدّه، دارالشروق.
- صدر، سیدحسن (۱۳۳۱ق)، الشیعة وفنون الاسلام، تهران، مطبعة العرفان.
- ضباع، علی محمد (۱۴۲۰ق)، سمیر الطالبین، قاهره، المكتبة الأزهرية للتراث.
- ضیف، شوقی (بی تا)، مقدمه کتاب السبعة فی القراءات لابن مجاهد، قاهره، دارالمعارف.
- طبرانی، ابوالقاسم (بی تا)، المعجم الكبير، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
- طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۵ق)، جامع البیان عن تأویل آی القرآن، بیروت، دارالفکر.
- عاملی، سیدجعفر مرتضی (۱۴۱۰ق)، حقائق هامة حول القرآن الکریم، قم، مؤسسه النشر الإسلامی.
- فراء، یحیی بن زیاد (۱۴۰۳ق)، معانی القرآن، بیروت، عالم الکتب.
- فضلی، عبدالهادی (۱۴۳۰ق)، القراءات القرآنیة، بیروت، مرکز الغدیر.
- قاضی، عبدالفتاح (۱۴۲۸ق)، البدور الزاهرة، دمشق، دارالبيروتی.
- قرطبی، محمد بن احمد (۱۴۲۳ق)، الجامع لأحكام القرآن، ریاض، دار عالم الکتب.
- قفطی، علی بن یوسف (۱۴۲۴ق)، إنباه الرواة علی أنباه النحاة، بیروت، المكتبة العصرية.
- لیب، ابوبکر عبدالغنی (۱۴۳۲ق)، الدرّة الصقیلة فی شرح ابیات العقیلة، تحقیق: عبدالعلی ایت زعبول، قطر، وزارة الأوقاف والشؤون الإسلامية.
- مارغنی، ابراهیم (۱۴۳۷ق)، دلیل الحیران، رباط، دارالأمان.
- مستفید، حمیدرضا (۱۳۸۱ش)، «تأثیر خط در پیدایش قرائت»، تهران، تحقیقات اسلامی، صص ۲۷-۶۴.
- مستفید، حمیدرضا (۱۳۸۰ش)، بررسی تاریخی تحول رسم الخط قرآن کریم، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات.
- معرفت، محمدهادی (۱۴۱۰ق)، التمهید فی علوم القرآن، قم، مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.
- مکی بن ابی طالب، ابو محمد (۱۹۷۵م)، الابانة عن معانی القراءات، قاهره، دارنهضة بمصر.
- مکی بن ابی طالب، ابو محمد (۱۴۰۴ق)، الكشف عن وجوه القراءات السبع وعللها وحججها، بیروت، مؤسسه الرسالة.
- مکی بن ابی طالب، ابو محمد (۱۴۰۵م)، مشکل اعراب القرآن، بیروت، مؤسسه الرسالة.
- مکی بن ابی طالب، ابو محمد (۱۴۲۹ق)، الهدایة الی بلوغ النهایة، الشارقة، جامعة الشارقة.
- نजारزادگان، فتح الله (۱۳۷۹ش)، «بررسی و نقد اسناد مصحف امام علی (ع) در منابع فریقین»، مقالات و بررسیها، شماره ۶۸، صص ۲۳-۴۴.
- همامی و پوراسماعیل، عباس و احسان (۱۳۸۷ش)، «نقدی بر نوشتار "القراءات فی نشأتها وتطورها"»، پژوهش نامه قرآن و حدیث، شماره ۴، صص ۲۳-۳۶.
- یاقوت حموی (۱۴۱۱ق)، معجم الادباء، بیروت، دارالکتب العلمیة.

Graham and Kermani, William A. and Navid (2007), "Recitation and aesthetic reception", The Cambridge Companion to the Qur'an, Edited by: Jane Dammen McAuliffe, London, Cambridge University Press.

Neuwirth, Angelika (2007), "Structural, linguistic and literary features", The Cambridge Companion to the Qur'an, Edited by: Jane Dammen McAuliffe, London, Cambridge University Press.